



مکتب روحانی مشاوره مسیحی
بیش از رستگاری

**A Theology of
Christian Counseling**
More than Redemption

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی
ویرایش: فرح صفوی

پیشگفتار مترجم

شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "مقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است. شاهرخ صفوی

فصل های کتاب

فصل اول:	نیاز مکتب روحانی در مشاوره مسیحی
فصل دوم:	مکتب روحانی و مشاوره
فصل سوم:	اصول کلام خدا - مشاوره و مکاشفه مخصوص
فصل چهارم:	اصول خدا - مشاوره مسیحی و اساس محیط انسان
فصل پنجم:	اصول خدا - نام خدا و مشاوره مسیحی
فصل ششم (بخش ۱):	اصول خدا - مشاوره مسیحی و دعا
فصل ششم (بخش ۲):	اصول خدا - مشاوره مسیحی و دعا
فصل هفتم:	اصول خدا - مشاوره مسیحی و اصل تثلیث
فصل هشتم (بخش ۱):	اصول انسان - مشاوره مسیحی و زندگی انسان
فصل هشتم (بخش ۲):	اصول انسان - مشاوره مسیحی و زندگی انسان
فصل نهم:	اصول انسان - مشاوره مسیحی و گناه انسان
فصل دهم:	اصول انسان - مشاوره مسیحی و عادت
فصل یازدهم:	اصول انسان - چگونه گناه بر افکار تاثیر می گذارد
فصل دوازدهم:	اصول رستگاری - بیش از رستگاری
فصل سیزدهم (بخش ۱):	اصول رستگاری - بخشش و مشاوره مسیحی
فصل سیزدهم (بخش ۲):	اصول رستگاری - بخشش و مشاوره مسیحی
فصل چهاردهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و زندگی نو
فصل پانزدهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و میوه روح القدس
فصل شانزدهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و ریشه کنی
فصل هفدهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و استقامت
فصل هجدهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و رنج
فصل نوزدهم:	اصول کلیسا - مشاوره مسیحی و کلیسا
فصل بیستم:	اصول کلیسا - مشاوره ایمانداران جدید
فصل بیست و یکم:	اصول کلیسا - مشاوره مسیحی و انضباط کلیسا
فصل بیست و دوم:	اصول کلیسا - مشاوره مسیحی و اعمال رحیم
فصل بیست و سوم:	اصول آینده - مشاوره مرگ و افراد در حال مردن
فصل بیست و چهارم:	اصول آینده - مشاوره مسیحی و قضاوت
فصل بیست و پنجم:	خلاصه مطالب

فصل بیستم

اصول کلیسا (ادامه)

مشاوره تازه ایمانداران

آنچه من در این فصل صحبت از آن خواهم کرد، روش کاملاً جدیدی را (تا جایی که می دانم) در کلیسا عنوان می کند (اما مطابق با کلام خدا).

همیشه مسئله این بوده که چگونه می توان ایمانداران جدید را جذب کلیسا کرد و رشد داد. تعداد زیادی از ایمانداران پس از گذشت یک یا دو سال دیگر رشد نمی کنند، بی علاقه می شوند، و مانند بسیاری از اعضای قدیم کلیسا نسبت به ایمانشان بی تفاوت می گردند. چرا؟ البته مسائل مختلفی می توانند چنین وضعی را ایجاد کنند، اما اگر پس از ایمان آوردن، فوراً مشاوره ابتدائی (آنچه او را به جانب عیسی آورده) نیز انجام گیرد، ممکن است تغییری اساسی بر کیفیت کلیسا انجام شود.

من مدت زیادی است که در خدمت حل مسائل زندگی از طریق کلام خدا بوده ام. تمام این مسائل را نیز در خدمت مشاوره مسیحی دیده ام. بگذارید برآورد آنچه بدست آوردم را باز گو کنم.

اساساً آنچه می گویم این است: شما لازم است مشاوره "ابتدائی" را با هر شخصی که تازه ایمان آورده، انجام دهید. باید دانست به چه دلیل به عیسی مسیح روی آورده است. از همان ابتدا باید راجع به این موضوع مهم صحبت کرد و اگر احتیاج بود بتوان او را به مشاور مسیحی معرفی کرد.

ابتدا از هر ایماندار تازه باید فوراً خواسته شود از عیسی مسیح اطاعت کند. ما نباید صبر کنیم زمانی که ایماندار نیاز به کمک خدا شد، او را تعلیم دهیم. امروزه ما ایماندار جدید را آموزش بنیادی می دهیم و این کار درستی است، اما نه آنکه چگونه از آن استفاده نیز بکند. ما چند مورد مهم (معمولاً چهار مورد) را تعلیم می دهیم: دعا، رفتن به کلیسا، حضور در جلسات مطالعه کلام، و بشارت، اما جمعی از موارد دیگر نیز هستن که نادیده می گیریم.

مهم ترین موردی که لازم است ایماندار جدید بداند این است که زندگیش باید کاملاً تغییر کند. خدا می خواهد او را از نو بسازد. برای این کار نیز لازم است مشخصات زندگی او را بدانیم تا بتوانیم تغییرات لازم را نشان دهیم. بطوری که گفتیم، بسیاری از مردم بخاطر مسئله یا مشکلی که دارند به مسیح پناه می آورند. از همان ابتدای ایمان لازم است موضوع را بررسی کنیم و مشاوره ابتدائی را انجام دهیم. در این صورت لازم است، هر کلیسایی برنامه انجام این کار را برای خود فراهم سازد. حال، آیه ای که باعث این حرف هایم شد را بررسی کنیم. هر چه بیشتر به آن نگاه می کردم، بیشتر مرا رنج می داد، چون از خود می پرسیدم چطور می توان این کار را کرد؟

افسیان ۴

۱۷: پس این را می گویم و در خداوند تاکید می کنم
که رفتار شما دیگر نباید همانند اقوام دور از خدا باشد
که در بطلالت ذهن خود رفتار می کنند.

فصل چهارم افسسیان صحبت از جنبه عملی اصولی می کند که در سه فصل اول آن عنوان شد. آنچه ابتدا از خواندن این آیه بدست می آید بنظر عجیب است. مگر پولس نامه های خود را با هدایت روح القدس نمی نوشت؟ پس چرا این موضوع را دوباره مطرح می کند؟ تکرار می کند بخاطر "تاکید". آنچه اینجا می گوید اهمیت زیادی دارد. به عبارتی می گوید، "اگر چیزی آیدتان نشده، هتماً این را بدست آورید"، یا "حال به این گوش کنید".

پس چیست که باید هر طور شده به آن گوش کنیم؟ ایمانداران جدید نباید مانند بی ایمانان رفتار کنند. اگر چیز دیگری را نشیده باشد، این را باید بشنود. از خواندن نامه های پولس (و البته پطرس و جاهای دیگر)، می توان برداشت کرد که این دقیقاً همان کاری است که رسولان انجام می دادند. اگر عهد جدید را بار دیگر به این قصد مطالعه کنید، تعجب خواهید کرد که چقدر این حرف ها به تازه ایمانان تاکید شده. نه تنها اصول روحانی را تعلیم می یافتند، بلکه همه جور برآمد از آن را نیز در زندگی (و معمولاً با جزعیات) دریافت می کردند. بعنوان مثال اگر به آنچه پولس در نامه خود به کلیسای نوپای تسالونیکیان (که مدت کوتاهی را در آن گذرانید) نوشته نگاه کنیم، می بینیم یادآور آنچه در زمان کوتاهی که با آن ها بود، انجام رساند (البته یقیناً مطالب دیگری را نیز گفته بود که تکرار آن لازم نبود)،

اول تسالونیکیان ۲

۱۱: چنانکه می دانید، رفتار ما با یک یک شما چون رفتار پدری با فرزندانش بود.
۱۲: شما را تشویق کرده، دلداری می دادیم و سفارش می کردیم که شیوه رفتارتان شایسته خدائی باشد که شما را به پادشاهی و جلال خود فرا می خواند.

توجه کنید که این مشاوره با ”یک یک“ نو ایمانان انجام می گرفت (۱۱). حال ببینیم راجع به چه موضوعاتی با آنها مشاوره می کرد؟ طبق اول تسالونیکیان ۴: ۱ تا ۸، او حتی صحبت از مسائل جنسی کرده بود و چگونه باید دنبال زن همسر خود گشت (۴ و ۵)، و غیره. در دنباله همین فصل می بینیم صحبت از مطلب دیگری نیز کرده بود (تجاری، روابط میان شخصی، و غیره).

اول تسالونیکیان ۴

۱۱: آرزومند این باشید که زندگی آرامی داشته باشید و سر به کار خویش مشغول بدارید و با دستهای خود کار کنید، همان گونه که شما را حکم کردیم.
۱۲: بدین سان، زندگی روزمره شما احترام مردم بیرون را بر خواهد انگیخت، و محتاج کسی نیز نخواهید بود.

برای آنکه نشان داده شود که این کار در جای دیگری نیز (فوراً) انجام گرفت (نه تنها در تسالونیک)، توجه به تعالیم پولس در جزیه کرت بکنید:

تیتوس ۲

۱۴: که خود را فدای ما ساخت تا از هر شرارت رهائی مان بخشد و قومی برای خود طاهر سازد که از آن خودش باشند و غیور برای کار نیکو.

تیتوس ۳

۱۴: بگذار همکیشان ما بیاموزند

که خویشان را وقف انجام کار های نیکو کنند
تا برای رفع نیاز های ضروری تدارک بینند
و زندگی بی ثمری نداشته باشند.

ایماندار نو نباید پس از ایمان آوردن رها شود. در همان موقع که مایل و آماده است و حاضر است عوض شود، و انتظارش را دارد، ما نباید او را با تعالیم ناکافی مایوس گردانیم. در زمانی که در گرمای وجود "محبت نخستین" خود بسر می برد، باید با او راجع به تمام جوانب زندگیش صحبت کرد. او لازم است بداند (و ما به او نشان دهیم) که می تواند در تمام ابعاد زندگیش تغییر کند. افسسیان ۴: ۱۷ را باید برایش باز کنیم (آنچه مربوط به او می شود) و به او کمک کنیم قدم در راه عیسی مسیح بر دارد.

اما بجای آن منتظر می مانیم تا مسئله ای در زندگیش رخ دهد تا به او تعلیم دهیم. زمانی که دیگر دیر شده، مشکل خواهد بود مسئله را حل کرد. پولس می خواست جلوی آن را بگیرد. در زمان تعمید یحیا، افراد مختلفی توبه کردند و تعمید یافتند. اما آیا این پایان کار بود؟ خیر. اینان خود متوجه احتیاجی که شخصاً به آن داشتند می شدند. بخاطر احتیاج به تغییری که در زندگی داشتند، می پرسیدند "پس چه کنیم". و یحیا به یکایک آن ها می گفت چگونه خدا مربوط به زندگیشان می شود (چه سرباز، خراج گیر، و غیره)،

لوقا ۳

۱۰: «جماعت از او پرسیدند:

پس چه کنیم؟»

۱۱: پاسخ داد:

«آن که دو جامه دارد، یکی را به آن که ندارد بدهد،

و آن که خوراک دارد نیز چنین کند».

۱۲: خراجگیران نیز آمدند تا تعمید گیرند.

آنها از او پرسیدند:

«استاد ما چه کنیم».

۱۳: به ایشان گفت:

«بیش از اندازه مقرر خراج مستانید».

۱۴: سربازان نیز از او پرسیدند:

«ما چه کنیم؟»

گفت: «به زور از کسی پول نگیرید و بر هیچ کس افترا مزید

و به مزد خویش قانع باشید.

از همان آغاز، دانستند که زندگیشان باید در مسیر تغییری باشد که خدا می خواهد. و آن را یحیا فوراً به آنها گفت؛ او منتظر نشد تا دو ماه دیگر وقتی قرق در مسائل و مشکلات شدند، روی به خدا آوردند! روی برگرداندن از بت ها و خدمت به خدای زنده یعنی تغییر در بسیاری از خصوصیات.

متی ۲۸

۱۸: آنگاه عیسی نزدیک آمد و به ایشان فرمود:

«تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من سپرده شده است.

۱۹: پس بروید و همه قومها را شاگرد سازید

و ایشان را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید
۲۰: و به آنان تعلیم دهید

که هر آنچه به شما فرمان داده ام،
به جا آورند.

اینک من هر روزه تا پایان این عصر با شما هستم».

وقتی در این آیات توجه به کلمات «شاگرد» و «تعلیم» کنیم، می بینیم منظور عیسی تنها ایمان آوردن نیست، شاگرد سازی نیز هست.

آنچه عیسی مسیح در این آیات می گوید این است که کلیسا نهاد آموزشی است. تعمید، نام نویسی در دانشگاه است، تعلیم از خدا است (۲۰)، و «به جا آوردن» از دانشجویان است. ایماندارانی که در دانشگاه عیسی مسیح نام نویسی می کنند، دقیقاً به این خاطر است: «هر آنچه به شما فرمان داده ام، به جا آورند». این مربوط به تمام ابعاد زندگی می شود و درس ها نیز کاملاً روشن می باشند. این آموزشی حیاتی است برای زندگیشان؛ تنها شامل دانستن نیست بلکه دانستن و اجرا کردن است. البته همه چیز را نمی توان از همان آغاز تعلیم داد. اما از همان آغاز، یک تازه ایمان باید بداند هدف این مدرسه چیست و در آینده چه خواهد آموخت. همچنین باید بداند که از همان روز اول است که باید آغاز گردد.

تازه ایمان لازم است درک کند که مسائل و مشکلاتی که در زندگی او ایجاد شده (یا خواهد شد)، ندای خدا است، که تغییر واجبی در زندگی او لازم است صورت بگیرد. خدا از همین طریق است که او را به شکل مسیح در می آورد. در بهشت خدا مسائل و مشکلات وجود ندارد. ناپاکی های زندگی دنیوی می باشند که هر یک باعث مسائل می شوند. و هر یک از این مسائل دارای خصوصیتی می باشند که خدا می خواهد برای مقاصد خود بسازد. مقصود تنها ترک گناه نیست بلکه ساختمان تازه ایست که خدا را جلال می دهد.

تازه ایمان باید بداند روح القدس است که حال در زندگی او کار می کند:

افسیان ۴

۲۲: شما آموختید که باید به لحاظ شیوه زندگی پیشین خود،

آن انسان قدیم را که تحت تاثیر امیال فریبده دستخوش فساد بود،
از تن به در آورید.

۲۳: باید طرز فکر شما نو شود،

۲۴: و انسام جدید را در بر کنید،

که آفریده شده است تا در پارسائی و قدوسیت حقیقی،

شبيه خدا باشد

آنچه در زندگی او رخ می دهد (و خواهد داد) نشانه خوبی از خواست خدا است در زندگی او. اگر در کلام بماند و هر گاه دچار مشکلی شد و نیاز به کمک داشت تنها به کلیسا روی آورد، خدا از او حفاظت خواهد کرد و از او رضایت خواهد داشت.

یقیناً نمی توان انتظار داشت، ایمانداری قبل از آنکه بداند عیسی مسیح راجع به شغل او چه گفته، کارش را مطابق با خواست خدا انجام دهد. پس چه بهتر که قبلاً به او گفته شود تا مسائل سر اغش نیاید. تازه ایماندار باید از همان ابتدا بداند مسیح چه رابطه ای با زندگی او دارد.

برنامه‌بخصوصی برای اجرای چنین کاری وجود ندارد؛ شما لازم است برنامه‌خود را بسازید. برنامه‌چنان باید باشد که مشایخ کلیسا در ساختمان آن دخالت داشته و آن بتوانند اجرا کنند. شما نباید این موضوع را نادیده بگیرید، آینده‌اعضا و کلیسای شما بستگی به آن دارد.